

سنفونی دوم

سیبلیوس ————— ییوس

مظهر آرزوهای يك ملت

این سنفونی در سالهای ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ یعنی سه سال بعد از سنفونی اول تصنیف شد و در آن سیبلیوس سعی کرده است که کوشش های پی گیر مردم فنلاند را در مبارزه با همسایه پر قدرت خویش و نیز پیروزی آنها را نشان دهد. اصولاً موسیقی سیبلیوس سراسر نمودار روح قهرمانی ملت فنلاند است و بیجهت نیست که مردم آن کشور وی را تنها موسیقیدان ملی خویش دانسته اند و سرود ملی آن کشور از قسمتی از پوئم سنفونیک «فنلاندیای» او اقتباس شده است.

موسیقیدانان کلاسیک نظیر هایدن و موزار هیچ کوششی برای متحد کردن موومانهای مختلف سنفونی های خویش از خود نشان ندادند، اما بتهوون در سنفونی پنجم خود سعی نمود ارتباطی بین موومانهای آن ایجاد نماید و این کار را با استفاده از طرح های ریتمیک خاصی انجام داد. به علاوه تم اسکرتزوی این سنفونی در فیناله آن نیز شنیده میشود و این دو موومان نیز توسط پلی بهم پیوند شده اند. روماتیک ها سعی کردند با استفاده از یک تم در تمام موومانها، ایجاد اتحاد در اثر بنمایند و برای مثال میتوان از سنفونی چهارم شومان و سنفونی چهارم و پنجم چایکوفسکی نام برد. اما «سیبلیوس» اتحاد بین موومانها را در این سنفونی در سطح بسیار بالائی انجام داده است. سیبلیوس در این اثر سعی کرده است که با استفاده از یک سقوط بافاصله پنجم - که نت اول آن دارای آکسان است - بدان حالت «یکانگی» به بخشد.

و این «وحدت» در موضوع دوم از موومان اول و قسمت مارش از فیناله، احساس میشود. بعلاوه مانند سنفونی پنجم بتهوون، سیبلیوس نیز دو موومان آخر را توسط يك پاساژ بهم مربوط میسازد.

اما موضوع بسیار مهمی که در این سنفونی بیچشم میخورد تغییری است که سیبلیوس در فرم سونات داده و در واقع جریان آنرا معکوس کرده است. در فرم سونات رسم بر این جاری بوده که در قسمت «اکسپوزیسیون» موسیقیدان دودسته تم را بطور کامل اعلام نموده و سپس در قسمت گسترش تمام آنها یا قسمتی از آنها را بسط میدهد اما سیبلیوس در قسمت اکسپوزیسیون بجای اعلام چند تم کامل، تعدادی ایده‌های کوچک را که بنظر اصلا بهم شباهتی ندارند بیان میکند و سپس در قسمت «گسترش» این تم‌ها را باهم متحد ساخته و از این ایده‌های «جزء» يك «کل» بوجود می‌آورد و روابط این ایده‌ها را که در قسمت اکسپوزیسیون مجهول بود برای ما روشن مینماید و دوباره در قسمت «رکاپیتولاسیون» این ایده‌ها را باز بهمان صورت اول رجعت میدهد. باین ترتیب ملاحظه میشود که سیبلیوس جریان تفکر در فرم سونات را معکوس کرده و با اصطلاح از نظر فلسفی «قیاس» را جانشین «استنتاج» نموده است و این خود ابداع بزرگی در زمینه موسیقی بشمار می‌آید:

موومان اول:

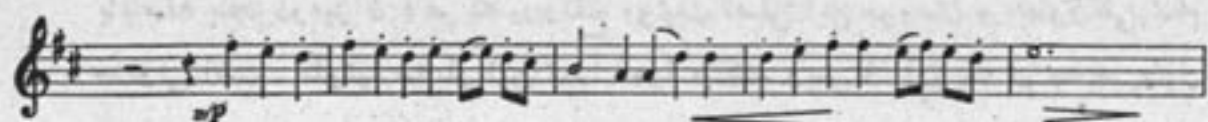
در این موومان سیبلیوس همانطور که ذکر شد قسمت اکسپوزیسیون کلاسیک را به کناری نهاده و در عوض يك رشته ایده‌های کوتاه را عنوان میکند که بعداً در طی موومان ارتباط و اتحاد آن‌ها باهم نمایان میگردد. در واقع طرح قسمت اول (آلکرتو) باین قرار است: ۱ - سه قطعه کوتاه بجای اکسپوزیسیون ۲ - گسترش ۳ - رکاپیتولاسیون - کودای مختصر.

سنفونی با جمله حالت دار زهی‌ها درمد «دورین» آغاز میگردد:



سپس در روی آن يك آهنك روستایی شاد، توسط سازهای بادی چوبی

اجرا میشود:



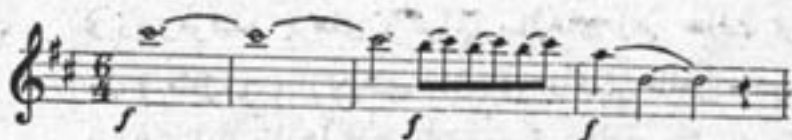
و «هورن» ها میزان آخر آنرا با سرعت کم تری اجرا کرده و چهار چنگک
میزان آخر را تبدیل به چهار سیاه در ضرب $\frac{6}{4}$ مینمایند :



مداخله هورن ها در این قسمت تکه کوچکی پیش نیست اما بزودی در قسمت
کسترش اهمیت کلی پیدا میکند . این تم روستایی با جمله متعاقب آن سه بار تکرار
میشود و بالاخره قطعه اول در حالیکه «کلارینت» بجای «هورن» اجرای مثال قبل را
بعهده میگیرد پایان میرسد . بعد از يك تأمل کوتاه دو «باسون» شجاعانه بایک پاساژ
صعودی و با فاصله سوم وارد کارزار میشوند و ندای تند شونده آنها در آخر سبب
میشود که فلوتها ناکهان بایک «ترمولو» بلرزش درآیند:



در این جا بدون هیچ رابطه ای ویولن ها با هم يك پاساژ رسیتاتیو را بدون
همراهی باحالت پرهیجانی اجرا میکنند و پس از آن تکه های پراکنده ای از جملات
موسیقی متناوباً توسط سازهای بادی چوبی وزهی بگوش میرسد . قطعه دوم توسط
يك پاساژ پیژیکاتو برای سازهای زهی پایان میرسد .
این پاساژ لحظه بلحظه سریع تر شده تا اینکه تمپو به «بوکو آلکرو»
تبدیل میگردد و در این جا ناکهان آهنگی که در واقع تم اصلی این موومان میباشد
توسط سازهای بادی چوبی اجرا میگردد:



سه نکته جالب در این تم بچشم میخورد یکی نت کشیده آغاز تم، دوم «تریل»
آهسته، که هر دو از مشخصات سبک ملودیهای سیبلیوس میباشد و بالاخره يك سقوط

با فاصله پنجم در میزان آخر که در واقع موتیف اصلی این موومان و بطور کلی تمام سنفونی است. فلوتها سه بار این تم را اجرا میکنند و پس از آن يك تم جدید بطور «فورتیسیمو» توسط سازهای بادی چوبی در بالای پارتیسیون، انبوه سازهای ارکستر را از هم میشکافد. این تم از يك رشته نت با فواصل پنجم نزولی تشکیل شده است:



این قطعه پرهیجان در آخر مانند شروع موومان با جمله اول سازهای زهی پایان میرسد.

عده‌ای از مفسرین این تم‌ها را بر طبق مبانی فرم سونات بدورسته - موضوع اول و دوم - تقسیم میکنند باین نحو که سه مثال اول و پاساژ بدون همراهی سازهای زهی را جزء گروه تم‌های موضوع اول و از پاساژ پیژیکاتو به بعد تمام تم‌ها را جزء گروه تم‌های موضوع دوم حساب میکنند. بخصوص که مثال ۵ و ۶ در تونالیته «دو مینانت» یعنی لا ماژور بوده و در قسمت و کاپیتولاسیون در کلید تونیک اجرا می‌شود. بهر حال از هر طریقی قسمت اکسپوزیسیون توجیه شود این نکته مسلم است که سیبلیوس بجای عنوان چند تم کامل و سپس بسط قسمت‌های مختلف آنها در قسمت گسترش، چند ایده کوتاه را - که بظاهر بسا هم رابطه‌ای ندارند - در قسمت اکسپوزیسیون اعلام نموده و حالا نوبت قسمت گسترش فرارسیده که روابط نهانی این قطعات کوتاه را نمایان سازد.

بخش گسترش که بواسطه کوتاه بودن غیر عادی قسمت اکسپوزیسیون زود فرا میرسد باین ترتیب شروع میشود که ابتدا يك «ابوای» سلو تم اصلی موومان (مثال ۵) را در گام مینور بدون همراهی مینوازد. سپس «باسون» ها آنرا توسعه داده و تبدیل به يك آهنگ طولانی میکنند. نکته جالب در این قسمت، بخش يك گروه چهار نتی سیاه در تمپوی $\frac{6}{8}$ میباشد که بخاطر آورنده تم «هورن» (در مثال ۳) می - باشد. و بولاهای يك همراهی روان را در زمینه اجرا میکنند و «گرسندو» ها و «دیوونوندو» های ناکهانی سازهای زهی حالت ترسناکی تولید میکنند و در این بین (مثال ۶) از لابلای سازهای ارکستر ظاهر میشود و پس از يك غرش ناکهانی بسرعت تمام سازها از جریان موسیقی خارج میشوند و تنها تیمپانی باقی میماند که با ضربات سستی ناپذیر خود قالب ریتمیک اصلی سنفونی یعنی شش سیاه در يك میزان را اجرا میکند. از این لحظه به بعد سیبلیوس تمام مواد سنفونی خود را جمع کرده و

بآنها انرژی و حیات میبخشد. تم باستودال مقدمه سنفونی در اینجا سریعتر و قوی تر شده و با تم «هورن» متحد میگردد و همینطور که تمام ارکستر با قدرت به اساس ریتمیک موومان یعنی $\frac{6}{4}$ حمله میکند، چهار نت سیاه انتهای مثال ۳ تشخیص زیاد پیدا میکند و ارکستر با فریادهای دلخراش سازهای بادی چوبی و تک آرشه‌های سریع و پر قدرت زهی‌ها به جلو رانده میشود. در این قسمت ناگهان با ورود تم اصلی (مثال ۵) موسیقی کمی آرام میگیرد اما پس از اجرای مجدد این تم سازهای زهی جوش و خروش خود را از سر گرفته و ضرب موومان را از $\frac{6}{4}$ باصرار به $\frac{4}{4}$ تبدیل میکنند و در این جا سازهای برنجی با موتیف باسون (مثال ۴) وارد کار می‌شوند. در این پاساژ طوفانی و پرهیجان که توسط سازهای بادی برنجی اجرا میشود انسان خود را با یکی از بکرترین الهامات ارکستری سیبلیوس مواجه مینماید. سازهای برنجی در زمینه لرزش سازهای زهی با بیان دراماتیک خویش حالت درخشان و افتخار آمیزی به این پاساژ میبخشند.

پس از پایان این پاساژ فوق‌العاده مؤثر و بی نظیر ریتم باز به $\frac{6}{4}$ برگشت نموده و با استثنای جمله زهی‌ها در شروع موومان که اکنون حذف شده رکایتولاسیون جریان خود را باز میبماید. این قسمت تقریباً نظیر اکسپوزیسیون است با این تفاوت که کمی کوتاه‌تر شده و تم‌های قطعات سه گانه روشنی و درخشش بیشتری پیدا کرده است و بالاخره موومان با جمله پر حالت زهی‌ها در آغاز موومان، بتدریج از نظرها محو می‌گردد.

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موومان دوم:

رمال جامع علوم انسانی

موومان دوم بشکل آنداته با یک پاساژ پیزیکاتوی فوق‌العاده مشکل برای کنترباسها آغاز میشود که تنها ویولن‌سراها در یک قسمت با آنها کمک میکنند سپس در زمینه این پاساژ باسونها یک ملودی بسیار محزون را اعلام مینمایند:



تیمپانی بطور متناوب ازدور می‌رود در حالیکه «هورن»ها شنونده را از حالت فشار و ناراحتی قسمت بعدی آگاه می‌سازند. تمپو سریع تر می‌گردد و بزودی وارد

يك صحنه جنگ پر تلاطم ميشود. تم‌های متناقضی از هرسو بگوش ميرسد و يك موتيف ترسناك بطور فورتيسيمو توسط فلوتها، ارکستر را از هم ميشکافد:



این موتیف‌ها و تم‌ها از هرسو بسط مییابند تا اینکه يك پاساژ گامی زهی‌ها، سازهای برنجی را فاتح منحصر بفرد این جنگ طوفانی مینماید. برنجی‌ها هارمونی‌های ترسناك و تهدیدکننده خود را غرش کنان بگوش میرسانند تا اینکه همه چیز از بین میرود و صدائی جز ناله تیمپانی و کنترباس‌ها بگوش نمیرسد. سیبلیوس آخرین کورد پاساژ سازهای برنجی را در يك کورد دیگر حل کرده و يك آرامش فوق طبیعی ایجاد مینماید. و بولن‌ها با يك پاساژ رقیق:



در حالیکه تمام سازهای زهی به هشت قسمت تقسیم شده‌اند زمین را برای ورود يك تم تغزلی بسیار زیبا و دوست داشتنی آماده میکنند. با اینکه تمام ملودی‌ش میزان بیش نیست، معه‌ذا به يك اوج عظیم احساساتی میرسد:



اما تمام سازهای زهی با غرش خود این حالت آرامش را بدور انداخته و بعد از يك تأمل کوتاه در حالیکه تیمپانی می‌غرد و ناله میکند، شونده به قسمت اول موومان باز می‌گردد. در این جا (مثال ۷) که توسط يك «هورن» سولو و بطور دیالوگ با فلوت اجرا میشود، حالت غمناک‌تر و منزوی‌تری ایجاد میکند. اما جریان جنگ از سر گرفته شده و حتی شدیدتر میشود و سازهای برنجی خشن‌تر از سابق غرش کنان به پیش میتازند. جریان موسیقی مثل سابق است جز اینکه تیره‌تر شده است. در این جا یکی از بزرگترین لحظات سنفونی فرا میرسد. زیرا سیبلیوس دو مثال ۹ و ۱۰ را با هم جمع کرده و از آنها يك ملودی بزرگ و پراحساس می‌سازد:



اما نوای شیطانی سازهای زهی مانع از ایجاد هرگونه آزمایش میشود و ویولن سلها و کنترباسهای وحشی تمام افکار آرامرا بطور فوریتسیمو لکدمال میکنند و بعد از دومیزان تریل وحشتناک برای فلوتها که تنها سیبلیوس قادر به تخیل و خلق آنها میباشد، موومان با فریادهای وحشیانه فاتحین پایان میرسد.

موومان سوم :

موومان سوم بصورت «اسکرتزو» دادای طرح غیرعادی بوده و میتوان آنرا باین ترتیب خلاصه کرد: اسکرتزو - نوکتورن - اسکرتزو - نوکتورن - یک پاساژ پلی بر قدرت که مستقیماً اسکرتزورا به فیناله متصل میکند . اسکرتزو مملو از بشاشت و فعالیت میباشد و از دو ایده متضاد تشکیل شده است که یکی حالت ریتمیک بسیار پر قدرتی دارد :



و دیگری یک تم تفزلی دوست داشتنی چهار میزانی است که از نظر احساس درست در نقطه مقابل خشونت تم اول قرار دارد.



این دو تم باهم به پیش میروند تا اینکه در آخر اسکرتزو، طوفانی از خشم و خشونت ارکستر را در بر میگیرد اما این گردباد ناکهان به خاموشی میگراید و صدائی جز ضربات منقطع و نرم تیمپانی بگوش نمیرسد . در این جا موسیقی از سی بل مازور به سی بل مینور تغییر یافته و در زمینه یک آرامش بسیار سنگین، ابوا قسمت نوکتورن را با تنها ملودی دوست داشتنی و زیبای آن آغاز میکند.



با اینکه این تم بعثت یکسان بودن نه نت اولیه آن در روی کاغذ زیاد جالب بنظر نمیرسد اما در موقع اجرا کاملاً طبیعی بنظر میآید و از طرف دیگر بعثت تکنیک مشکل ابوا اجرای این تم همیشه با دشواری روبرو میشود. با وجودیکه قسمت نوکتورن سیزده میزان بیشتر نیست اما به یک اوج عظیم میرسد. و در آنجا قسمت اسکرتزو پرسروصداتر از قبل منفجر میشود و باز مانند سابق قسمت طوفانی انتهای آن ناگهان به خاموشی میگراید و آرامش و سکون نوکتورن باز میگردد. نوکتورن در این جا چهار میزان کوتاهتر شده و در انتهای آن یک پاساژ بسیار مهیج و پر قدرت شونده را مستقیماً بسوی فیناله پیش میبرد.

موومان چهارم:

موومان چهارم (فیناله) بدون فاصله و در اوج پاساژ بایک تم قهرمانی و پیروزمندانه زهی ها آغاز میگردد:



چنانکه از مثال بالا برمیآید آرمونیزه کردن این قسمت، از مشخصات کار سیلیوس است. سازهای زهی این تم را روی زمینه ای از آرمونی های کشیده هورن ها و سازهای بادی چوبی اجرا میکنند. در حالیکه ترومبون ها بایک طرح ریتمیک آنرا همراهی کرده و توبا و کنترباس ها تمام این تشکیلات را بایک پدال « ر - دودیز » طولانی که برای شانزده میزان بدون انقطاع ادامه دارد بر روی شانه های خود حمل میکنند و برای اینکه نت پدال حالت حرکت خود را از دست ندهد در ضرب آخر هر میزان تأکیدی روی آن قرار داده شده است. بعد از اتمام تم اصلی دو موتیف یکی توسط ترومپت ها و دیگری توسط ترومبون ها بگوش رسیده و بایک پاساژ گامی صعودی زهی ها که منتهی به یک جهش تریولی میشود بیابان میرسند.

در این جا قسمت افتتاحیه دوباره اجرا میشود اما این بار دنباله تم اصلی تغییر

کرده و قسمت آرمونی آن نیز بارنکهای درخشانتری پر شده است :



فلوتها بایک تم محزون وضع صحنه را عوض میکنند و هم آنها بزودی به تمام ارکستر که وارد یک دیالوگ پراحساس شده سرایت میکند و این قسمت در یک کادانس بایک کورد ملایم سی مینور پایان میرسد.

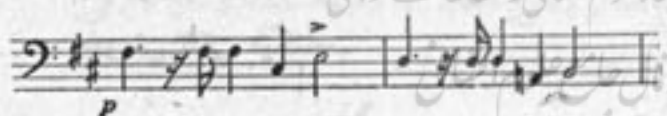
در این جا ناکهان و یولن سلها و کنترباسها بطور آرام و مرموز یک گام مینور را که دائماً در حال صعود و نزول است برای ۳۵ میزان در زمینه اجرا میکنند در حالیکه در روی این زمینه موضوع دوم موومان که یک مارش عظیم سه دوم است از قطعات کوچک نت های بم ابوا شروع شده و منتهی به اوجی برای تمام ارکستر میشود:



پس از مدتی ناکهان بطور دراماتیک کلیه قطعه به ماژور تبدیل شده و ترومپت ها و ترومبون ها بایک موتیف حالت شادی بخشی را نوید میدهند:



و یک کودتای کوتاه بایک جمله جالب قسمت اکسپوزیسیون را تمام میکند:



قسمت گسترش بایک پاساژ ملایم آغاز میشود. و یولن ها و ویولاها اوج می گیرند در حالیکه و یولن سلها و باسها بطور پیزیکاتو بایک کورد فادیز مینور به اعماق غم فرو میافتند. تم اصلی موومان اکنون در لفافه ای از حزن و اندوه پیچیده شده و در قسمت بم سازهای بادی چوبی اجرا میشود در حالیکه قسمت کودتای مارش برای سه بار متفکرانه پدیدار میشود. از این لحظه به بعد سیبلیوس به بسط دو تم اصلی موومان یعنی تم افتتاحیه و موتیف انتهای مارش میپردازد. تم اصلی - موضوع اول بالاخره بردیگران پیشی بسته و موسیقی به طرف اوجی عظیم پیش میرود. تمام سازهای ارکستر وارد کار میشوند تا اینکه قسمت رکاپیتولاسیون با ورود پیروزمندان

تم اول آغاز میشود و بار دیگر موسیقی عظیم افتتاح فیناله قلب ها را از پیروزی و سرور آکنده میسازد. جریان موسیقی تقریباً مثل اکسپوزیسیون است جز اینکه در انتهای تکرار مجدد تم اصلی باسها ناکهان از دو مینانت طوئی لا به سی بمل تغییر یافته و ویولن ها پاساژی را که قبلاً فلوت اجرا کرده بود مینوازند که منتهی به - طوفانی از احساسات متحد میگردد و برای بار آخر ما به مارش عظیم باز میگردیم. مانند اکسپوزیسیون همراهی کامی ویولن سل ها و کنترباس ها زمینه مارش را تشکیل میدهد با این تفاوت که عوض فادیز مینور حالا این قسمت در ر مینور بوده و ترومپت اولین سازی است که قطعه ای از مارش را بگوش میرساند. قسمت مارش که ۳۵ میزان بود اکنون به ۸۰ میزان ازدیاد یافته و شاید طولانی ترین خط «کرسندو» می باشد که برای ارکستر نوشته شده است. موسیقی بتدریج اوج میگیرد. سازهای بادی چوبی وارد جریان شده و با پاساژهای صعودی و نزولی و صدای تند و تیز خود ابتکار زمینه عملیات را از دست ویولن سل ها و باس ها میگیرند در حالیکه تمام سازهای برنجی بجز ترومبون ها با قدرت تمام مارش را اجرا میکنند و آنرا با آخرین درجه اوج پرشکوه و جلال خود میرسانند.

با تغییر کلید از «ر مینور» به «ر ماژور» کودا آغاز میگردد و در این قسمت که حالت جشن و سرور دارد تمام سازهای بادی چوبی و برنجی تم اصلی فیناله را بالحنی موقرانه و پرطمطراق اعلام میکنند. و باین ترتیب این موومان و همچنین این سنفونی بزرگ باشادی فراوان و شکرگزاری پیاپیان میرسد.

در میان موسیقیدانان مدرن، سیبلیوس تنها کسی است که میتواند یک سنفونی را یا حالت قهرمانی پیاپیان برساند بدون آنکه ذره ای تظاهر و یا حالت نمایشی در آن موجود باشد. اهالی فنلاند این فیناله را بعنوان سبولی از تحقق یافتن آرزوهای ملی خویش تلقی میکنند.

رتال جامع علوم انسانی و اقباس دکتر فرخ شادان